

لغو تشکیلات تربیه معلم؛

استادان و کارمندان خواستار  
تجدید نظرند



لغو تشکیلات تربیه معلم از ساختار وزارت معارف توسط طالبان، با واکنش و نگرانی‌های تند شماری از کارمندان و استادان این نهاد مواجه شده است. آنان این تصمیم وزارت معارف طالبان را «عجولانه» می‌خوانند. به گفته این کارمندان، با تطبیق طرح لغو تشکیلات، بیش از پنج هزار کارمند نهادهای تربیه معلم در کشور بیکار می‌شوند و بالاتر از ۱۰ هزار تن از شاگردان این مراکز از ادامه تحصیل باز می‌مانند. آنان می‌گویند که حذف اداره‌های تربیه معلم بر میزان سطح ارتقای مسلکی آموزگاران دوازده‌پایس...

۳

ممنوعیت آموزش دختران؛

مدرسه‌سازی  
اولویت طالبان است



۳

مدرسه‌های دینی دخترانه در خدمت  
ایدئولوژی طالبان

۶

مقام ایرانی:

سرمایه‌گذاران افغان در چهار ماه ۱۵۰ میلیون دالر در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند



۸ صبح، کابل: مشاور نماینده ویژه رئیس‌جمهور ایران در امور افغانستان گفته است که افغان‌ها طی چهار ماه گذشته در ایران ۱۵۰ میلیون دالر سرمایه‌گذاری کرده‌اند. رسانه‌های ایرانی روز جمعه، ۲۳ سرطان، به نقل از محمد مهدی جوانمرد قصاب، مشاور نماینده ویژه رئیس‌جمهور ایران در امور افغانستان این موضوع را

گزارش داده‌اند. او گفته است که سرمایه‌گذاری افغان‌ها در ایران هرچند کوچک، اما از نظر تعداد قابل توجه است. وی افزوده است که بر اساس گزارش‌ها، سال گذشته افغان‌ها بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در ایران بودند. به گفته وی، فرایند تزریق نقدینگی از سوی

افغان‌ها به اقتصاد ایران از نظر تعداد و ارزش، افزایش چشم‌گیری داشته است. جوانمرد قصاب افزود که سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های گوناگونی از جمله کشاورزی، صنعتی و ساختمانی انجام شده است. وی تصریح کرد که پیش از تحولات سیاسی در افغانستان سرمایه‌گذاری بازرگانان افغان کمتر بود و پس از آن روابط تجاری میان دو کشور بهبود یافته و در سال گذشته، افغانستان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در ایران بوده است. جوانمرد قصاب تصریح کرده است: «هدف، تسهیل جذب سرمایه‌گذاران افغان در ایران به همراه رفع موانع آن‌ها و همچنین حمایت از سرمایه‌گذاران ایرانی است که در افغانستان در ابعاد تجاری، امنیتی و قضایی مشغول به کار هستند.» گفتنی است که پس از روی کار آمدن طالبان در افغانستان، روابط دو کشور بر سر حقایق تهران از روی هیرمند پر تنش دنبال شده است.

احتمال وزش باد شدید  
و لحظه‌ای در ۱۶ ولایت  
کشور

۸ صبح، کابل: ریاست هواشناسی تحت مدیریت طالبان از احتمال وزش باد شدید و لحظه‌ای همراه با گردوخاک در ۱۶ ولایت کشور خبر می‌دهد. ریاست هواشناسی تحت مدیریت طالبان روز شنبه، ۲۴ سرطان، با نشر خبرنامه‌ای نوشته است که این احتمال امروز و فردا در ولایت‌های هرات، فراه، نیمروز، هلمند، قندهار، زابل، غور، بامیان، دایکندی، کابل، بلخ، کندز، بغلان، پروان، پنجشیر و کاپیسا به‌شمول سالنگ‌ها وجود دارد. این ریاست افزوده است که سرعت باد در نقاط مختلف بین ۲۰ الی ۷۵ کیلومتر در ساعت خواهد بود. این در حالی است که روز پنج‌شنبه هفته گذشته نیز ریاست هواشناسی از احتمال وزش باد شدید و لحظه‌ای در شماری از ولایت‌ها خبر داده بود.

درگیری در کارخانه یامه در غور؛  
طالبان یک تن را کشتند  
و یک تن دیگر را زخمی  
کردند



۸ صبح، غور: منابع محلی در غور می‌گویند که در نتیجه منازعه بر سر کارخانه یامه در این ولایت، طالبان یک تن را کشته و یک تن دیگر را زخمی کرده‌اند. منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که ساعت ۳:۰۰ پس از ظهر روز شنبه، ۲۴ سرطان، طالبان در منطقه برخول ولسوالی دولینه یک کارخانه یامه را هنگامی که می‌خواستند به آتش بزنند، با مخالفت مالکان آن مواجه شده‌اند. به گفته منابع، در نتیجه این درگیری جنگ‌جویان طالب یک تن را کشتند و یک تن دیگر را زخمی کرده‌اند. با این حال، یک منبع از میان طالبان در غور می‌گوید که نیروهای این گروه برای حریق کردن این کارخانه تولید مواد مخدر رفته بودند که با مخالفت اهالی منطقه مواجه شده و سپس درگیری مسلحانه پرداخته‌اند. لازم به ذکر است که یامه (اومان) یکی از گیاه‌های کوهی است که در ولایت غور به‌گونه وافر بوده و از آن در تولید مواد مخدر نوع شیشه استفاده می‌شود.

۵ صفحه

طالبان وستیز با تمایز

رژیم طالبان مانند هر نظام ایدئولوژیک دیگر، تمامیت‌خواه و همسان‌ساز است. چه آن زمان که دارای قدرت سیاسی نبود و چه حالا که قدرت سیاسی را در قبضه خود گرفته، در پی یک‌رنگ‌سازی و همسان ساختن جامعه و...



۴ صفحه

تا امر ثانی  
آینده تاریک است

ادیبه دانشجوی سال پنجم دانشکده مهندسی دانشگاه کابل است که پس از فرمان طالبان، تا امروز اجازه وارد شدن به دانشگاه را نیافته...







## کلید رهایی: همکاری نیروهای داخل و خارج

با سقوط جمهوری و گرفتار آمدن افغانستان در تنگنایی که سلطه طالبان پدید آورده، آشفته‌گی بر زنده‌گی بسیاری از شهروندان این کشور در داخل و خارج سایه افکنده است. یکی از پیامدهای این وضعیت، رها شدن انرژی منفی و ویرانگری است که تخریب یک‌دیگر، طعنه زدن، عیب گرفتن، نفرت پراکندن و هجوم بر افراد، گروه‌های قومی، جریان‌های سیاسی و مانند این‌ها را در پی دارد. این وضعیت سبب می‌شود که زمینه‌ای برای گفت‌وگو و تفاهم باقی نماند و وضعیت جنگ همه علیه همه شکل بگیرد که مساوی با انتحار جمعی است.

افزون بر شکاف‌های معروف قومی، حزبی و زبانی و پیامدهای ویرانگر آن‌ها، اکنون شکاف میان نیروهای داخل کشور و نیروهای آواره در خارج نیز بر آن افزوده شده است. از یک سو، میلیون‌ها شهروند افغانستان خواسته یا نخواستہ زیر سلطه طالبان زنده‌گی می‌کنند و به حکم جبر شرایط ناگزیرند با آن وضعیت به نحوی کنار بیایند، هرچند که در ذهن و روان خود ناخشنود هستند. شماری از آنان می‌کوشند رسالت خود را به‌ویژه در عرصه خدمات علمی و فرهنگی با همه تنگناهایی که وجود دارد به پیش ببرند. شماری دچار یأس شده و ترجیح می‌دهند که تماشاچی بمانند و شماری دیگر گمان می‌کنند که با برقراری رابطه بهتر با حاکمان کنونی شاید بتوانند مساحتی برای فعالیت و تحرک پیدا کنند.

در طرف دیگر، کسانی که به خارج کشور کوچیده‌اند، شمارشان به میلیون‌ها تن می‌رسد. اکثریت آنان در کشورهای همسایه و منطقه هستند و شمار انبوهی دیگر در کشورهای دور دست‌تر. گروه‌های مهاجر از یک سو با مشکلات دنیای مهاجرت دست به‌گریبانند و از دیگر سو با حسرت شکست و فرار از کشور و پشت سر نهادن زنده‌گی طبیعی خود در سرزمینی که به آن تعلق داشته‌اند. آنان در میان خشم، حسرت، اندوه، و یأس دست‌وپا می‌زنند و هم‌زمان ناگزیرند برای پیش بردن زنده‌گی تقلا کنند. این وضعیت روانی نابه‌سامان سبب می‌شود که در داوری‌ها، موضع‌گیری‌ها و فعالیت‌های مربوط به حوزه عمومی تعادل و سنجیده‌گی مراعات نشود و فضای عمومی مسموم و زهرآلود گردد.

واقعیت کشورهایی مانند افغانستان نشان می‌دهد که راه همواری برای رهایی از بحران در پیش ندارند و برای عبور از وضعیت با چالش‌های گوناگونی روبه‌رویند. اما یک نکته به‌روشنی قابل درک است که تغییر وضعیت نه به تنهایی در توان نیروهای داخل است و نه در توان نیروهای مهاجر و آواره در خارج. ایستادن در برابر سلطه بی‌رحم و سرکوبگری مانند طالبان در داخل برای بسیاری پرهزینه است و نمی‌توانند به آن تن بدهند و از این رو هر گونه اعتراض و واکنش به حداقل ممکن می‌رسد و حتی اگر نگرانی از سرورده‌های قابل انعکاس در خارج نباشد، بر قساوت و سرکوبگری طالبان چندین برابر افزوده خواهد شد. از دیگر سو، آواره‌گان نیز به علت دوری از سرزمین نمی‌توانند جز تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهای میزبان و بر موضع سیاست‌گذاران‌شان و ایجاد فشارهای سیاسی بر طالبان، به لحاظ میدانی امکان چندانی برای تغییر وضعیت ندارند. در صورتی که شکاف میان نیروهای داخل و خارج کاهش یابد و استراتژی واحدی برای رهایی از وضعیت کنونی شکل بگیرد، بدون شک معادله تحول رقم خواهد خورد. این تغییر معادله سبب خواهد شد که هم دنیا در محاسبات خود بازنگری کند و هم بسیاری از نیروهای سرخورده و مایوس در داخل به این روند بپیوندند.

## باج‌گیری طالبان از نهادهای مدرسان؛ دست‌کم ۱۵ سازمان فعالیت خود را در دایکندی متوقف کرده‌اند



غیره فعالیت خود در این ولایت را متوقف کرده‌اند. با این حال، برخی از مسوولان محلی نهادهای مدرسان در دایکندی به دلیل هراس از طالبان از دادن جزییات در مورد توقف فعالیت‌شان در این ولایت خودداری می‌کنند.

مسوولان محلی طالبان در دایکندی تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

گفتنی است که پیش از این نیز گزارش‌های از مداخله مسوولان محلی این گروه در کار نهادهای مدرسان در سایر نقاط کشور منتشر شده است.

این در حالی است که چندی پیش اداره بازرسی ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان (سیگار) اعلام کرد که طالبان از ماه نومبر ۲۰۲۲ تا فبروری ۲۰۲۳، ۴۹۴ بار در کار نهادهای کمک‌کننده بین‌المللی در افغانستان، مداخله کرده‌اند.

۸صبح، دایکندی: منابع محلی در دایکندی می‌گویند که دست‌کم ۱۵ سازمان مدرسان از زمستان سال گذشته به این سو در پی باج‌گیری و مداخله افراد طالبان، فعالیت خود در این ولایت را متوقف کرده‌اند.

یک منبع معتبر محلی که از ذکر نامش در خبر خودداری می‌کند روز شنبه، ۲۴ سرطان، به روزنامه ۸صبح گفت که فردی به نام ملامحمدالله اقبال، رئیس اقتصاد طالبان در دایکندی و خواهرزاده امین‌الله عبید، والی این گروه در دایکندی، با افراد زبردست‌شان در امور کاری نهادهای مدرسان مداخله می‌کنند.

به گفته منبع، در پی مداخله و باج‌گیری ملامحمدالله، تا کنون ۱۵ سازمان کمک‌رسان از جمله اکشن‌اید، رازی، برک، سی‌آر اس و ام‌سی‌سی

## سه پناهجوی افغان در اثر غرق شدن در یک کانال آب در ایران جان باختند

خدمات ایمنی شهرداری قزوین ایران گزارش داد که اجساد این افراد در سه نقطه مختلف «کانال آب مادر» قزوین پیدا شده است.

او افزوده است: «پیکرهای بی‌جان این سه فرد تحویل پزشکی قانونی شد.»

وی خاطرنشان کرده است که احتمالاً این افراد برای شنا وارد کانال آب شده بودند و به دلیل فقدان مهارت و جریان بالای آب دچار غرق شده‌گی شده‌اند.

طبق گزارش، شرکت آب منطقه‌ای شهر قزوین اواخر هفته گذشته نسبت به جاری‌سازی آب سد طالقان در کانال آب مادر و خودداری هرگونه شنا در این مکان هشدار داده بود.

در گزارش آمده که از ابتدای سال روان تا کنون ۱۰ مورد غرق شده‌گی در شهر قزوین ثبت شده است. این در حالی است که چندی پیش نیز شش پناهجوی افغان در اثر گاز گرفته‌گی در منطقه قرچک شهر تهران، پایتخت ایران جان باخته بودند.



۸صبح، کابل: رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری شهر قزوین ایران از مرگ سه پناهجوی افغان در اثر غرق شدن در «کانال آب مادر» این شهر خبر داده است. خبرگزاری ایرنا روز شنبه، ۲۴ سرطان، به نقل از غدیر موسی خانی، رئیس سازمان آتش‌نشانی و

## طالبان فعالیت موسسه صحی «انترساس» در زابل را متوقف کردند



استخدام افراد طالبان، متوقف می‌شود. این در حالی است که پیشتر برخی از منابع در ولایت دایکندی نیز به روزنامه ۸صبح گفتند که از چندین ماه به این سو ۱۵ نهاد مدرسان پس از مداخله و باج‌گیری افراد طالبان، فعالیت خود را در این ولایت متوقف کرده‌اند.

۸صبح، زابل: منابع محلی در زابل می‌گویند که طالبان به دلیل امتناع موسسه انترساس (HAO) از استخدام افراد مورد نظرشان در این ولایت، فعالیت این نهاد کمک‌رسان خارجی را ممنوع کرده‌اند.

منابع به روزنامه ۸صبح گفتند که این گروه درب موسسه انترساس را که در بخش صحت کار می‌کند، روز شنبه، ۲۴ سرطان، بسته کرده است. ریاست صحت عامه طالبان در زابل در مورد توقف موسسه انترساس در شهر قلات، مرکز این ولایت، چیزی نگفته است.

اما یک منبع از این موسسه به‌شرط افشا نشدن نامش می‌گوید که ریاست صحت عامه طالبان پس از آن که موسسه انترساس از استخدام افراد مورد نظر این گروه سر باز زده، درب آن را بسته است. این دومین بار است که فعالیت موسسه انترساس در زابل پس از امتناع مسوولان این موسسه از

## طالبان در بادغیس مانع پوشش رویدادهای خودکشی و قتل‌های هدفمند از سوی خبرنگاران می‌شوند

۸صبح، بادغیس: هم‌زمان با افزایش موارد خودکشی در بادغیس، برخی از مسوولان رسانه‌های محلی و خبرنگاران می‌گویند که طالبان در این ولایت، اجازه پوشش رویدادهای چون خودکشی و قتل‌های هدفمند را به آنان نمی‌دهند.

یکی از مسوولان رسانه‌های محلی در بادغیس که نمی‌خواهد نامی از او گرفته شود روز شنبه، ۲۴ سرطان، به روزنامه ۸صبح گفت که خبرنگاران، تنها اجازه نشر رویدادهای را دارند که از سوی مسوولان محلی طالبان در این ولایت با آنان شریک می‌شوند.

وی افزوده است: «اجازه پوشش خبرها را نداریم، خودکشی‌ها را نشر کرده نمی‌توانیم، قتل‌های هدفمند پوشش داده نمی‌شود و تمام رویدادها را باید به اجازه طالب نشر کنیم.» مسوولان محلی طالبان در بادغیس تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

این بار نخست نیست که طالبان بر رسانه‌ها و خبرنگاران در زمینه نشر رویدادها محدودیت وضع می‌کنند.

این گروه پس از تسلط دوباره بر افغانستان، رسانه‌ها و خبرنگاران را در نقاط مختلف کشور به شدت سرکوب کرده‌اند.

طالبان در کنار وضع محدودیت‌های فزاینده علیه رسانه‌ها، حتی شبکه‌های اجتماعی شهروندان عادی را به‌طور جدی زیر نظارت دارند.

افراد طالبان پیش از این چندین تن را به اتهام آنچه تبلیغات منفی بر ضد این گروه می‌خوانند، بازداشت، زندانی و شکنجه کرده‌اند.



## طالبان نه تن از آمران ادارات محلی غور را برکنار کردند

۸صبح، غور: کمیسیون تصفیه صفوف طالبان در یک اقدام تازه نه تن از آمرین ادارات مختلف غور را برکنار کرده است.

کمیسیون مرکزی تصفیه گروه طالبان در مکتوبی به دفتر ولایتی این کمیسیون در غور که یک نسخه از آن روز شنبه، ۲۴ سرطان، در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته، نه تن از مسوولان محلی این ولایت را بدون ذکر دلیل برکنار کرده است.

در این مکتوب آمده است: «محمد غوث سهیل، آمر کار و امور اجتماعی، ذبیح‌الله امینی، آمر میدان هوایی، محمد حکیم‌پور، آمر مالی مستوفیت غور، رفیع‌الله غفوری، آمر عواید مستوفیت، انجنیرملک، انجنیر شهرداری فیروز کوه، نیک‌محمد، آمر مالی و اداری ریاست معارف، نظرمحمد ثاقب، آمر فرهنگ ریاست اطلاعات و فرهنگ، سلطان‌محمد همکار، آمر قضایی ریاست عدلیه غور و دکتر زلمی آمر پیژن قطعه خاص از وظایف‌شان اخراج و به‌جای ایشان افراد شایسته و لایق گماشته شود.»

این کمیسیون از ادارات مربوطه خواسته تا از اجراءات‌شان در زمینه برکناری این افراد اطمینان دهند.

یکی از برکنار شده‌گان می‌گوید که آنان به دلیل عدم اشتراک در جنگ از وظایف‌شان برکنار شده‌اند.

کمیسیون تصفیه صفوف گروه طالبان درباره دلیل برکناری این افراد در این مکتوب چیزی نگفته است.



## ممنوعیت آموزش دختران؛

# مدرسه‌سازی اولویت طالبان است

دینی و جهادی طالبان تبدیل می‌شود. همچنان گل محمد جمشیدی، باشنده یکی از ولایات شمال‌شرق کشور، می‌گوید که طالبان با برپایی مدرسه‌های دینی و جهادی، به‌ساده‌گی هزاران نیرو برای خود جذب کرده‌اند و برای بازی‌های بعدی‌شان از هم اکنون دست‌به‌کار شده‌اند. به گفته او، طالبان اگر به‌طور عادی افراد را در صفوف‌شان جذب کنند، افراد تا زمانی به این گروه وفادار خواهند ماند که معاش و امتیاز برای‌شان داده شود. او تأکید می‌کند که طالبان این موضوع را درک می‌کنند و پول‌هایی را که هفته‌وار جامعه جهانی به این گروه وفادار خواهند ماند که معاش و امتیاز برای‌شان داده شود. او تأکید می‌کند که طالبان این موضوع را درک می‌کنند و پول‌هایی را که هفته‌وار جامعه جهانی به این گروه ارسال می‌کند، با آن مدرسه می‌سازند و با نان و مکان مفت، سرباز رایگان جذب می‌کنند تا دهه‌ها نیروی جنگی داشته باشند.

گفتنی است که فعالیت‌های رسانه‌ای وزارت معارف تحت کنترل طالبان نیز بازتاب‌دهنده تمرکز این نهاد بر مدرسه‌سازی است. این وزارت با نشر خبرنامه‌ها و توییت‌های متعدد، از توجه مقام‌های طالبان به روند مدرسه‌سازی و تقویت مدرسه‌های جهادی خبر می‌دهد. وزارت معارف طالبان در صفحه توئیترش پیوسته از تقسیم و توزیع منابع و ایجاد بست‌های جدید برای مدرسه‌های دینی و تقویت این مراکز، اطلاع‌رسانی می‌کند. این وزارت پیشتر گفته بود که در هر ولایت یک مدرسه بزرگ جهادی می‌سازد تا در کنار آموزش‌های دینی، به آموزش‌های نظامی نیز پرداخته شود. کرامت‌الله آخوندزاده، معاون تعلیمات اسلامی وزارت معارف طالبان، گفته بود که تأسیس و اعمار مدرسه‌های جهادی در دستور کار رژیم آنان قرار دارد. به گفته او، در بیش از ۲۵ ولایت مدرسه‌های مرکزی جهادی، هر کدام با ظرفیت جذب یک هزار دانش‌آموز، تأسیس شده است. وی همچنان گفته بود که ایجاد ۳ تا ۱۰ مدرسه ابتدایی روستایی در همه ولسوالی‌های کشور، تحت کار قرار دارد.

مقام‌های طالبان در حالی اولویت رژیم خود را مدرسه‌سازی تعریف می‌کنند که براساس دستور آنان، مکتب‌های دخترانه از حدود دو سال به این سو مسدود شده است؛ اقدامی که هزاران دختر را با مشکلات روانی و تن دادن به ازدواج‌های اجباری یا زیر سن مواجه ساخته است. واشنگتن‌پست نیز پیشتر در گزارشی گفته است که بسته بودن دروازه‌های نهادهای آموزشی به روی دختران، آنان را به بیماری‌های روانی مبتلا کرده است. این رسانه آمریکایی در گزارش نگاشته است که شفاخانه صحت روانی در کابل مملو از بیمارانی است که از مشکلات روانی رنج می‌برند.

این گروه، در دیدار با مولوی عبدالکبیر، از فعال شدن مدرسه‌های جهادی در پنج ولایت کشور خبر داده است. او تأکید کرده است که به‌زودی مدرسه‌های جهادی دیگر نیز فعال می‌شود. این مقام طالبان تصریح کرده است که ملا هیت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، بر ایجاد و فعال‌سازی مدرسه‌های جهادی تمرکز و تأکید خاص دارد.

همزمان با ادامه ساخت‌وساز بی‌پیشینه مدرسه‌های دینی و جهادی توسط طالبان، شهروندان کشور به‌شدت از این روند ابراز نگرانی می‌کنند. به گفته آنان، طالبان با ایجاد مدرسه‌های دینی و جهادی، هزاران تن را شست‌وشوی مغزی می‌دهند و کشور را دهه‌ها در بحران افراطیت و بنیادگرایی غرق می‌کنند. احمدالله، شهروند، می‌گوید که طالبان به دنبال گسترش تفکر و ایدئولوژی خود بالای مردم هستند. به گفته او، این گروه با مدرسه‌سازی و جذب جوانان کم‌سواد و بیکار، به‌ساده‌گی باورهای افراطی خود را تبلیغ و ترویج می‌کند. این شهروند تصریح می‌کند که یکی از اهداف اساسی طالبان در افغانستان، طالبانیزه کردن همه ساختارهای اجتماعی و مردمی است. او می‌افزاید که افغانستان در بحران بنیادگرایی غرق شده است و آتش نفرت به‌زودی دامن کشورهای منطقه و حامی طالبان را نیز خواهد گرفت.

شکیلا (مستعار) یکی از استادان دانشگاه است که مدت‌ها می‌شود اجازه رفتن به دانشگاه و تدریس را ندارد. او می‌گوید که نگران طالبانیزه شدن دانشگاه است. به گفته این استاد دانشگاه، با وضعیتی که در دانشگاه‌ها و اجتماع افغانستان حاکم شده است، مردم ناخواسته در ترویج ایدئولوژی دستگاه قدرت، نقش ایفا می‌کنند. وی ادعا می‌کند که طالبان، مغز متحرک و مرکز تولید فکر کشور را که عبارت از دانشگاه‌ها باشد، هدف قرار داده‌اند. به گفته او، روند رادیکال شدن و طالبانیزه شدن دانشگاه‌ها آغاز شده است و با تغییر در نصاب تحصیلی، دانشگاه‌ها خودبه‌خود به مدرسه‌های



طالبان در حدود دو سال گذشته ده‌ها مدرسه دینی و جهادی ایجاد کرده‌اند. در تازه‌ترین مورد، معاون اداری ریاست‌الوزرای این گروه گفته است که مدرسه‌سازی در اولویت کاری رژیم آنان قرار دارد. اکنون شماری از شهروندان، طالبان را به سربازگیری و ترویج افراطیت متهم می‌کنند. آنان تأکید می‌ورزند که این گروه به جای حکومت‌داری و عرضه خدمات، به دنبال ترویج بنیادگرایی و نهادینه ساختن طالبانیزم است. به گفته آنان، مسدودیت مکتب‌های دخترانه و تمرکز بر مدرسه‌سازی، به‌ویژه مدرسه‌های جهادی، افغانستان را به مرکز بنیادگرایی جهانی مبدل می‌کند. گفتنی است که همزمان با بسته شدن نهادهای آموزشی و تحصیلی به روی دختران، طالبان توجه ویژه‌ای به مدرسه‌ها دارند و وزارت معارف تحت کنترل این گروه از ایجاد مدرسه‌هایی با ظرفیت جذب یک هزار دانشجو در ۲۵ ولایت سخن گفته است.



امین کوه

طالبان از زمان برگشت به قدرت در اسد ۱۴۰۰، ده‌ها مدرسه دینی و جهادی را تأسیس کرده‌اند. ایجاد ۱۰۰ هزار بست استادی برای مدرسه‌های دینی، تثبیت سویه تحصیلی ۷۰ هزار عالم دین، فراهم‌آوری سهولت‌های آموزشی، فراغت بدون آموزش و افزایش معاش استادان مدرسه‌های دینی، بخشی از تلاش‌های مدرسه‌سازی طالبان در این مدت است. همچنان این گروه در یک سال و ۱۱ ماه گذشته، ساخت مدرسه‌های دینی را به یکی از فعالیت‌های رسمی دولتی مبدل کرده‌اند. اکنون عبدالسلام حنفی، معاون اداری ریاست‌الوزرای

طالبان، در دیدار با شماری از عالمان دین و بزرگان قومی ولسوالی درزاب جوزجان، گفته است که مدرسه‌سازی در اولویت کاری رژیم این گروه قرار دارد. او در این دیدار تأکید کرده که رژیم طالبان از هیچ‌گونه تلاش برای تقویت مدرسه‌های دینی دریغ نمی‌ورزد. مولوی عبدالکبیر، کفیل رییس‌الوزرای طالبان، نیز به آدرس وزارت معارف این گروه دستور ویژه صادر کرده تا برای ارتقای ظرفیت و جذب در مدرسه‌های جهادی، بودجه ویژه در نظر بگیرد. او در دیدار با مولوی مسیح‌الله مصدق، مهمتم مدرسه جهادی پنجشیر، گفته است که به وزارت معارف این گروه دستور ویژه صادر کرده تا در ارتقای ظرفیت و جذب در این مدرسه‌ها، توجه ویژه کند. عبدالواحد طارق، رییس مدرسه‌های جهادی رژیم

## لغو تشکیلات تربیه معلم؛

# استادان و کارمندان خواستار تجدیدنظرند

۸ صبح، پروان

وزارت معارف طالبان گفته است که به جای این اداره‌ها «ساختارهای منطقی، پویا و پاسخگو که متضمن ارتقای کیفیت تعلیمی، تقویت اداره سالم و با در نظر داشت امکانات، منابع و نیاز کشور» باشد را ایجاد می‌کند، اما برنامه مشخص و زمان‌بندی خاصی برای جای‌گزینی آن تعیین نکرده است.

و خدماتی دارالمعلمین‌ها از طرف وزارت معارف افغانستان ملغا اعلام شده است. عبدالله (نام مستعار) یکی از استادان اداره تربیه معلم ولایت کاپیسا، او سه سال پیش از طریق رقابت آزاد توانست این شغل را به دست بیاورد. عبدالله می‌گوید که با شنیدن خبر لغو فعالیت اداره تربیه معلم «به‌شدت» ناامید شده است. او تصریح کرد: «وزارت معارف از یک طرف ادعا می‌کند که آموزگاران مکاتب مسلکی نیستند و از طرف دیگر چهار هزار استاد کادری را از بدنه وزارت معارف حذف می‌کند. این یک تصمیم عجولانه و غیرمنطقی بود. من با هزار و یک مشکل سه سال پیش به‌حیث استاد در این اداره وظیفه گرفتم، حالا معلوم نیست که سرنوشت ما چه خواهد شد.»

ادامه در صفحه ۷

تعلیمی، تقویت اداره سالم و با در نظر داشت امکانات، منابع و نیاز کشور» باشد را ایجاد می‌کند، اما برنامه مشخص و زمان‌بندی خاصی برای جای‌گزینی آن تعیین نکرده است. در همین حال، شماری از کارمندان و استادان نهادهای تربیه معلم این تصمیم وزارت معارف طالبان را «عجولانه» عنوان می‌کنند. یک منبع در ریاست تربیه معلم ولایت پروان که از ذکر نامش در گزارش خودداری می‌کند، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که با لغو تشکیلات تربیه معلم، بیش از پنج هزار تن از کارمندان این نهادها در کشور بیکار شده‌اند و بالاتر از ۱۰ هزار تن از شاگردان این مراکز از ادامه تحصیل باز می‌مانند. منبع تصریح کرد: «طی یک مکتوب [بست‌های] چهار هزار استاد کادری و بیش از یک هزار کارمند اداری

ولایت‌ها را از تشکیلات این وزارت حذف کرده است. این اداره‌ها در ولایت‌های مختلف فعال بود و در آن‌ها استادان به دانشجویانی که علاقه‌مند معلمی بودند، شیوه‌های تدریس و آموزگاری را آموزش می‌دادند. وزارت معارف طالبان در اعلامیه‌ای این اداره‌ها را «غیرموثر و غیرضروری» خوانده و گفته است که معاونت تربیه معلم در حکومت پیشین از ساختار این وزارت حذف شده بود، اما ساختارهای ولایتی آن «بدون برنامه» در ساختار تشکیلاتی وزارت فعالیت داشتند. به گفته این نهاد، سالانه صدها میلیون افغانی از این رهگذر هزینه اداری، حفظ و مراقبت زیربناها، برق و معاشات کارمندان می‌شد. هر چند وزارت معارف طالبان گفته است که به جای این اداره‌ها «ساختارهای منطقی، پویا و پاسخگو که متضمن ارتقای کیفیت

لغو تشکیلات تربیه معلم از ساختار وزارت معارف توسط طالبان، با واکنش و نگرانی‌های تند شماری از کارمندان و استادان این نهاد مواجه شده است. آنان این تصمیم وزارت معارف طالبان را «عجولانه» می‌خوانند. به گفته این کارمندان، با تطبیق طرح لغو تشکیلات، بیش از پنج هزار کارمند نهادهای تربیه معلم در کشور بیکار می‌شوند و بالاتر از ۱۰ هزار تن از شاگردان این مراکز از ادامه تحصیل باز می‌مانند. آنان می‌گویند که حذف اداره‌های تربیه معلم بر میزان سطح ارتقای مسلکی آموزگاران دوازده‌پاس نیز تأثیر منفی می‌گذارد. شماری از استادان و کارمندان نهادهای تربیه معلم، خواستار بازنگری این تصمیم طالبان هستند. وزارت معارف تحت مدیریت طالبان روز چهارشنبه هفته گذشته اعلام کرد که اداره‌های «تربیه معلم» در





**حالا گروه طالبان نیز شبیه اشرف غنی عمل می‌کند. این گروه نهادهایی را که در چهار چوب تفکر عقب‌مانده و ایستایش نمی‌گنجد تعطیل می‌کند و به‌جای آن به ساخت نهادهایی توجه می‌ورزد که برایش سودآور باشد.**

## اصلاحات طالبانی؛



# ملاساری و تداوم دشمنی با معارف

مزدک پارسی

وزارت معارف طالبان اخیراً موسسات تربیه معلم را از ساختار اداری این وزارت حذف کرده است. به باور طالبان، تشکیلات تربیه معلم (دارالمعلمین‌ها) «غیرموثر و غیرضروری» است و به‌جای آن «ساختارهای منطقی، پویا و پاسخ‌گو که متضمن ارتقای کیفیت تعلیمی، تقویت اداره سالم و با درنظرداشت امکانات، منابع و نیاز کشور» باشد، ایجاد خواهد شد. طالبان پیش از این نیز اداره‌های دولتی زیادی را ناکارا و موازی تشخیص داده و حذف کرده‌اند که با توجه به ماهیت بسته، عقب‌مانده و ارتجاعی این گروه، غیرمعمول و عجیب به نظر نمی‌رسد. در واقع، اگر طالبان رفتار متفاوت از آنچه حالا می‌کنند از خود بروز دهند، غیرمعمول و شگفت‌آور است.

طالبان حذف اداره‌ها و تشکیلاتی را که زاید و غیرضروری می‌دانند، بخشی از برنامه «اصلاحات» خود قلمداد می‌کنند؛ برنامه‌ای که شباهت چندانی با اصلاحات معمول و پذیرفته‌شده ندارد. در اصلاحات طالبانی همه چیز وارونه است. تنها با این نگاه می‌توانید موجود عجیبی به‌نام طالبان را به‌خوبی بشناسید و در برابر آن موضع درست و منطقی اتخاذ کنید. آنانی که روایت «تغییر طالبان» را با ساده‌گی تمام باور کردند و یا هنوز هم چشم به راه اقدامی از جانب «طالبان میانه‌رو» در برابر اقدامات دیکتاتورمآبانه ملا هبت‌الله هستند، هنوز که هنوز است این گروه را به‌درستی نشناخته‌اند. در دستگاه ایدئولوژیک طالبان چیزی به‌نام تغییر و اصلاحات به‌معنای متعارف و پذیرفته‌شده‌اش وجود ندارد. تغییری که ما از آن سخن می‌زنیم از نظر دستگاه بدوی و به‌شدت ضد انسانی این گروه «بدعت» و «ارتداد» شمرده می‌شود و مرتکب آن سزاوار مجازات سنگین است. از این نظر، وقتی طالبان از تغییر و اصلاحات سخن می‌زنند، منظورشان

هر چیزی می‌تواند باشد سوای تغییر و اصلاحات واقعی.

طالبان مدعی‌اند که اداره‌های دولتی به این دلیل حذف و یا ایجاد می‌شوند که کیفیت کار بهبود یابد و نظم اداری سالم شود. اما پرسش این نیست که سلامت نظم دولتی مهم است یا نه، سوال اصلی این باید باشد که نظم سالم را چه نیرویی برقرار می‌کند؟ نیرویی که خودش از بیماری مزمن جهالت و کوردلی رنج می‌برد، چه‌گونه می‌تواند یک جامعه به‌قول خودش بیمار و نیازمند اصلاح را درمان کند؟ شکی وجود ندارد که هر جامعه‌ای نیازمند اصلاحات است و دولت به‌عنوان نماینده مردم این جامعه باید برنامه‌های اصلاحی را در مقاطع مختلف اجرا کند که حذف، ادغام و ایجاد اداره‌های دولتی نیز شامل آن می‌شود؛ اما نه دولت قبلی - که در نتیجه انتخابات شفاف و آزاد روی کار نیامده و به‌دلیل فسادزده‌گی عمیق و ریشه‌دار، شکننده و بی‌ثبات بود - توان ظرفیت اجرای برنامه‌های اصلاحی را داشت و نه هم گروه طالبان - که با زور و معامله به قدرت سیاسی دست یافته است و در فسادزده‌گی و بی‌کفایتی با دولت قبلی در یک ردیف قرار می‌گیرد - از توان و شایسته‌گی اجرای اصلاحات واقعی برخوردار است.

در دولت پیشین برنامه‌های اصلاحی، سلیقه‌ای و سیاسی بود تا واقعی. نهادهای دولتی به‌خاطر بلندرفتن کیفیت کار و برقراری حکومت‌داری بهتر حذف و یا ایجاد نمی‌شدند. سران فاسد حکومت قبلی آگاهانه در پی تضعیف نهادهایی بودند که در اختیار تیم سیاسی حریف بود؛ تیم سیاسی‌ای که در انتخابات نتوانسته بودند از سد آن عبور کنند و در دولت توافقی مجبوراً باید حضورش را تحمل می‌کردند. اشرف غنی مرتب نهادهای را حذف، تعدیل و ایجاد می‌کرد. او در حالی که ادعا داشت نهادهای موازی و غیرضروری را از بین برده و به‌جای آن‌ها نهادهای موثر و ضروری ایجاد

می‌کند، کارش ساخت نهادهای موازی و بی‌کفایت بود که تورم تشکیلاتی را در پی داشت. آنچه در این نهادها رعایت نمی‌شد، شایسته‌گی، ضرورت و موثریت بود. برعکس، نهادها ایجاد می‌شدند تا این ارزش‌ها را به سخره بگیرند و از دور خارج کنند.

حالا گروه طالبان نیز شبیه اشرف غنی عمل می‌کند. این گروه نهادهایی را که در چهارچوب تفکر عقب‌مانده و ایستایش نمی‌گنجد تعطیل می‌کند و به‌جای آن به ساخت نهادهایی توجه می‌ورزد که برایش سودآور باشد. مکاتب و نهادهای ترویج‌دهنده معارف مدرن، زاید و غیرضروری‌اند و بنابراین یا باید به مرور زمان حذف شده و مدارس دینی جاگزین آن‌ها شوند، و یا هم به‌حدی تغییر ماهیت پیدا کنند که دیگر نتوان تفاوتی میان مدرسه، مکتب و دانشگاه پیدا کرد. سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت داخله طالبان و رهبر شبکه حقانی، اخیراً گفته است که در نظم طالبانی آن‌ها مدرسه، مکتب و دانشگاه شبیه هم شده‌اند و دیگر تضادی میان آن‌ها وجود ندارد. این یعنی، برنامه طالبانیزه‌شدن زنده‌گی به‌سرعت در حال اجرا شدن است و یکی از گام‌های اساسی آن از میان رفتن تفاوت میان مدرسه، مکتب و دانشگاه است که حالا به گفته رهبر شبکه حقانی، این هدف نیز به واقعیت بدل شده است.

پیامد یک‌سان‌سازی مدارس، مکاتب و دانشگاه‌ها اما برای ما خیر ترسناک است؛ خبری که از آینده فاجعه‌بار و هولناک هشدار می‌دهد و این پیام تلخ و ناامیدکننده را با خود دارد که امید واهی داشتن ضربه‌کننده و مرگبار به شما وارد می‌کند و سال‌ها طول می‌کشد تا از زیر بار سنگین پیامدهای آن خودتان را رها کنید. در چنین اوضاع و شرایطی، ناامیدبودن می‌تواند رویکرد انقلابی باشد، در صورتی که دست از توهم برداریم و با درس‌گیری از شکست‌های گذشته دوباره به خودسازمان‌دهی بپردازیم. امید واقعی تنها با اتکا

بر مبارزه واقعی و مستقلانه بدون توقع و چشم‌داشت از دیگران می‌تواند زاده شود. این امید خودآیین چون بدهکار هیچ نیرو و عامل بیرونی نیست، به‌سختی می‌تواند از میان برود و قدرت پایداری به‌مراتب بلندتری در مقایسه با امیدهای کذایی و جعلی دارد.

امیدهای جعلی تا زمانی می‌توانند پایدار باقی بمانند که ماهیت ساخته‌گی و دست‌کاری‌شده آن‌ها ثابت نشده باشد. هنگامی که حباب‌های جعل و دروغ یکی پی دیگر ترکیبند، موجی از ناامیدی همه را فرامی‌گیرد و نجات از این وضعیت به مبارزه و تلاش جمعی زیادی نیازمند است. غربی‌ها بیست سال در افغانستان سعی کردند امید خلق کنند؛ اما از آن‌جا که این تلاش‌ها فسادزده و ناقص اجرا شد، مدیران «ملت‌سازی» نتوانستند ارزش‌هایی را که از آن دفاع می‌کردند، به‌درستی در جامعه سنتی و دین‌زده افغانستان نهادینه کنند و این ارزش‌ها تا حدود زیادی عاریتی باقی ماندند. ارزش‌های عاریتی هر آن ممکن بود دود شوند و به هوا بروند؛ چون همانند دولت مورد حمایت غربی‌ها، شکننده و بی‌ثبات بودند. سقوط دولت در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ تنها به رژیم مدعی جمهوریت و دموکراسی نقطه پایان نگذاشت، بلکه پایانی بود برای برنامه‌های اصلاحی مبتنی بر ارزش‌های عاریتی. آن زمان سعی زیادی برای نهادینه‌سازی پایدار این ارزش‌ها در جامعه نشد و حالا نیز طالبان از مردم نمی‌پرسند نظرشان در مورد قوانین و مقرراتی که بر آنان وضع می‌کنند چیست؟ مردم در رژیم قبلی تنها در زمان انتخابات احضار می‌شدند و از آنان خواسته می‌شد به حکومت بعدی مشروعیت دهند که این کار را می‌کردند؛ اما در نهایت تقلب و دست‌کاری در رای مردم بود که برنده می‌شد نه مردم.

در دولت قبلی تنها کاریکاتوری از مردم وجود داشت و بس. ولی در رژیم طالبان مردم حتا نقش کاریکاتوری نیز ندارند و غایب اصلی میدان سیاست هستند. نماینده‌گان خودخوانده مردم - که حتا از غربال سازوکارهای نمایشی مشروعیت‌دهنده قدرت نیز عبور نکرده‌اند چه رسد به انتخابات - هرچه بخواهند بر سر مردم می‌آورند و به کسی هم پاسخ‌گو نیستند. امیرالمومنین خودخوانده هر کاری بخواهد با مومنان می‌کند و آنان نیز مجبورند بی‌چون‌وچرا از دستورات او پیروی کنند. این‌جا دیگر مردم وجود ندارند. مردم باید احیا شوند تا کالبد بی‌جان سیاست ضد طالبانی جان بگیرد. در حالی که حتا برخی از کشورهای همسایه افغانستان فرم‌های تازه مبارزه افقی را تجربه می‌کنند، این اصلا بلندپروازانه نیست که ما دوباره روح در حال مرگ مردم - به‌عنوان سوژه اصلی مبارزه عمودی - را احیا کنیم؛ اما ظاهراً چاره‌ای نداریم جز این که از مردم بخواهیم بیدار شوند و با نماینده‌گان جعلی و خودخوانده‌شان تسویه حساب کنند.

# تا امرتانی آینده تاریک است

نوشابه ارصلاح



داشته‌اند؛ آینده‌ای که «الی امرتانی» از آن بی‌خبر و بی‌برنامه‌ام. هیچ‌کس حس همان لحظه‌اش را درک نمی‌کرد؛ چون شرایطی که او در آن وارد دانشگاه کابل شده بود، با شرایط همه‌صنفی‌هایش و حتا با شرایط دو خواهرش فرق داشت: «من به خاطر رسیدن به آرزوهایم بهای بسیاری پرداختم. از زادگاهم، از دوستانم و جایی که در آن بزرگ شده بودم، گذشتم. حتا خانواده‌ام را مجبور به ترک جایی کردم که در آن تولد شده، بزرگ شده و ازدواج کرده بودند.»

دانشگاه‌ها به روی دختران را می‌بیند. او آن شب را «آغاز یک شب سیاه طولانی در زنده‌گی» خود می‌نامد. ادیبه می‌گوید که آن شب را با خواهرانش صبح کرده است؛ شبی که تا صبح بغض گلویش را فشرده، اشک گونه‌هایش را تر کرده و از شدت حزن به‌حق افتاده است. «از خبر مسدود شدن دانشگاه به روی دختران، به پدر و مادرم در همان شب هیچ چیزی نگفتم؛ چون برای رسیدن من به پله‌های آخر، آن‌ها بیشتر تلاش کرده بودند. خواب‌هایی برای آینده درخشان من

ادیبه دانشجوی سال پنجم دانشکده مهندسی دانشگاه کابل است که پس از فرمان طالبان، تا امروز اجازه وارد شدن به دانشگاه را نیافته است. او تنها نبود، همه دختران هم‌سرنوشت او، نتوانسته‌اند بار دیگر به دانشگاه پا بگذارند. هر یک از این دختران، روایت خاصی از محرومیت دارد. این‌جا ادیبه داستان خودش را دارد؛ داستانی که روایتگر تلاش‌های شبانه‌روزی، کامیابی، موفقیت‌های نیمه‌تمام و رنج‌هایی است که او برای کسب دانش متحمل شده است. از خوشحالی شب‌هایی گفت که نتوانسته بود امتحانات آخر سمسترش را به‌خوبی پایان دهد. از رخصتی پیش‌رو خرسند بود، چون می‌خواست برای سمستر بعدی خودش را آماده کند. از حوت سال قبل، درس تشدید را پشت سر گذاشته بود که آن هم سختی‌های خودش را داشت. «خوشحال بودم، چون وقت پیدا کرده بودم که کورس بروم و پروگرام‌های کمپیوتر را یاد بگیرم که در جریان درس‌های تشدید، وقتی برای یادگیری‌اش نداشتم.» از روزهایی می‌گوید که تازه امتحانات نهایی سمستر هشتم را گذرانده است و برای سپری کردن زمستان برنامه‌هایی دارد. ادیبه که نمی‌دانست چه شب سیاهی در انتظارش نشسته، به برنامه‌ریزی ماهانه خود می‌پردازد تا این‌که اعلامیه مسدود شدن درهای



# طالبان و ستیز با تمایز



عایشه خراسانی

تمایزات مذهبی و با میزان مذهبی بودن متفاوت به گونه مسالمت‌آمیز ظرفیت زنده‌گی مشترک و هم‌زیستی را دارند. چیزی را که امروزه طالبان با چشم سر می‌بینند، ولی نادیده گرفته و انکار می‌کنند، همین تفاوت‌هاست. با نادیده گرفتن این موضوع، باور و مذهب خود را به قرائت رسمی تبدیل کرده و بالای مردم می‌قبولانند. در کنار این، هر عمل خود را به نام «اسلام» و با پسوند «اسلامی» می‌خواهند مشروعیت بخشند و این گونه از مذهبی بودن جامعه به نفع خود استفاده کنند. آن‌ها مردم را با پیش کشیدن نام خدا و پیامبرش، خاموش می‌سازند.

دستاویز دیگری که طالبان به آن چنگ زده‌اند، «افغانیت» و قبیله‌گرایی است. آن‌ها بارها در سخنان‌شان از «فرهنگ افغانی» سخن زده‌اند؛ فرهنگی که خود از آن می‌آیند و فکرشان از آن نشأت گرفته است. حتا به جهانیان این نکته را می‌گویند که هر عملی ما انجام می‌دهیم، هم‌خوان با فرهنگ افغانی ماست و ظرفانه این نکته را اضافه می‌کنند که یک «مساله داخلی» است. آن‌ها نه تنها اساس کارهای‌شان را بر افغانیت می‌گذارند و «فرهنگ افغانی» را برای مشروعیت‌بخشی اعمال‌شان به کار می‌برند، بل در صدد تحمیل آن بالای دیگر مردم نیز هستند.

سخن آخر این که فرهنگ جامعه افغانستان ترکیبی است موزاییک‌وار، با تنوع قومی و دارای خرده‌فرهنگ‌های متمایز. همچنان سبک‌های زنده‌گی در این کشور متفاوت است. این که طالبان بخواهند سر کرده مردم گرسنه سوار شده و طبل افغانیت و اسلامیت را بزنند و بخواهند سبک زنده‌گی مردم را تغییر دهند، یک عمل ناشدنی و ناکاراست. درست است که طالبان دست بالایی در خشونت دارند، اما این خشونت‌گری در جهت خلاف سیاست آن‌ها جریان داشته و خواهد داشت. از دلایل روشنی که آن‌چه در بالا گفته شده است را ثابت می‌سازد، چالش‌هایی است که طالبان امروزه با آن مواجه‌اند؛ اگر چه عده زیادی از فعالان، دانشگاهیان و آن‌هایی که می‌توانستند نیروی فعال و ضد طالب در جامعه باشند -هرچند زیر سایه طالب مجال چنین بروزی نیست- در تبعید به سر می‌برند، اما مردم بارها به‌گونه‌ها و شیوه‌های متفاوت نشان داده‌اند که در ضدیت با طالبان قرار دارند. مثلا جهات جنگ و اعتراضات زنان، در همان نخست، تک‌روایت طالبان و هذیان‌های ذهنی آن‌ها را مخدوش و نادرست جلوه داد و برای طالبان دردسر ایجاد کرد که تا هنوز نیز این گروه با آن‌ها گلاویز است.

## رژیم طالبان مانند هر نظام ایدئولوژیک دیگر، تمامیت‌خواه و همسان‌ساز است.

گروه می‌رساند که آن‌ها آموزش -برای پسران- را نه از آن رو که ضرورت و نیاز افراد و جامعه است پذیرفته‌اند، بلکه به خاطر ترویج افکار و هذیان‌ات عقیدتی‌شان نهادهای آموزشی را به خدمت درآورده‌اند و طالب تربیت می‌کنند. افزون بر آن، در دستور زبانی آن‌ها خلاف واژه «آزادی» که سر دشمنی با آن دارند، واژه‌هایی چون «مرتد» و «گناه» در صدر لغت‌نامه‌شان قرار دارد. مثلا هر آن کسی که طرف آزادی است، به گمان آن‌ها در ورطه «گناه» افتاده است. روی همین دلایل است که در زیر چتر سلطه طالبانی، انتخاب سبک زنده‌گی، داشتن حریم خصوصی، کرامت انسانی و آزادی با تمام جوانب آن از جمله ممکنات نبوده و اجراکننده آن در دایره «گناه‌کاران» قرار می‌گیرد. برای به اجرا گذاشتن ایدئولوژی خود و طالبانیزه کردن جامعه، طالبان دو مولفه‌ای که در جامعه به‌گونه حاد موجود و میان مردم مروج است (دین و سنت قبیله) را دستاویز خود قرار داده‌اند.

در این شکی نیست که افغانستان یک جامعه دینی داشته و فرهنگی دارد که رنگ دینی دارد، اما رفتار دینی مردم یک‌رنگ نیست. رفتار دینی مردم از یک منطقه تا منطقه دیگر متفاوت است و همه دارای مذهب مشترک نیستند، ولی با وجود این، همه با همین

خارج از دایره قدرت و کنترل‌شان قرار دارند، «مرتد» بوده و باید نابود شوند. البته این تنها در مورد افراد نیست؛ آن‌ها کمر به نابودی هنر، ادبیات و فرهنگی که در تضاد و تقابل با خود ببینند، نیز می‌بندند. در واقع، ناف این گروه با تک‌روی، استبداد و تبعیض بریده شده است. آزادی را بر نمی‌تابد، تکثر را قبول ندارد و پذیرش و هم‌دیگری‌پذیری در قالب فکری‌اش جا ندارد. حتا سازمان‌های مدنی که غیرسیاسی و بی‌نفوذند را نیز قبول ندارند. به‌گونه مثال، خانواده که مربوط به خصوصی‌ترین حوزه جامعه می‌شود، از دست‌برد و سیاست این گروه در امان نمانده است. خلاصه، طالبان آشکارا جامعه و مردمی می‌خواهند که تخته‌بند ایدئولوژی باشند. انسانی را زنده قبول دارند که سرسپرده امارت طالبانی باشد. هنر، ادبیات، فرهنگ و آموزش را نیز نه برای خود، بلکه در خدمت سیاست و ایدئولوژی خود می‌خواهند. دانشگاهی را که در آن افکار غیرطالبانی تبارز باید، قبول ندارند. هنری که ضد طالبان باشد را نمی‌پذیرند. کتابی را که در آن از طالبان توصیف نشده باشد، مردود می‌دانند. روی همین علت، کتابی را می‌خواهند به خورد مردم دهند که در آن همه‌چیز به نفع طالبان باشد. عمل کرد این

رژیم طالبان مانند هر نظام ایدئولوژیک دیگر، تمامیت‌خواه و همسان‌ساز است. چه آن زمان که دارای قدرت سیاسی نبود و چه حالا که قدرت سیاسی را در قبضه خود گرفته، در پی یک‌رنگ‌سازی و همسان ساختن جامعه و زدودن تفاوت‌ها و تکثر بوده است. عمل کرد آن‌ها مبتنی بر کنترل کامل روایت اجتماعی-تاریخی بوده و مصداق بارز قول «حقیقت پیش من است» و «من صاحب حق هستم» هستند. البته تنها به این بسنده نکرده‌اند و در پی تطبیق، قبول‌اندن و به اجرا درآوردن تک‌روایتی هستند که باورهای‌شان براساس آن بنا یافته است. در جامعه‌ای مثل افغانستان که بافت اجتماعی متفاوت دارد، به لحاظ فرهنگی متکثر است و مهم‌تر از همه در دو دهه پسین شکل و شمایل جامعه، خصوصا شهرها و کلان‌روستاها افغانستان تغییر کرده است، حرف زدن از باور و فرهنگ مشترک و انکار تفاوت‌ها، غلط‌انداز بوده و بسیار جای بحث دارد، چه برسد به این که گروهی تروریستی مثل طالبان که سال‌ها پنهانی خانه مردم و مکتب را سنگر خود ساخته، جنگیده و رنگ و رخ شهر را بعد از سال‌ها دیده و با سبک و تنوعات زنده‌گی مردم آشنا نیست، بخواهد جامعه‌ای را فرض بگیرد که یک‌دست است و همچون مدینه فاضله طالبانی که در ذهنش است از آن حرف بزند. در ادامه به مدینه فاضله طالبان و چرایی و چگونه‌گی تغییر سبک زنده‌گی و زدودن تفاوت‌ها از سوی این گروه، پرداخته شده است.

تجربه پنج‌ساله دوره نخست تسلط طالبان بر افغانستان گواه این است که این گروه دیگری‌ساز و دیگری‌ستیز است و جامعه را به گروه حق -که به زعم آن‌ها خودشان هستند- و ناحق -که به گمان آن‌ها بقیه مردم هستند- تقسیم می‌کند و برای به کرسی نشاندن حق (خود) و از بین بردن ناحق (مردم) از هیچ ظلم و ستمی کوتاهی نمی‌کند. آن‌ها هر چه خارج از دایره قدرت‌شان بود را مردود شمرده و در ذیل «کسانی که باید نیست و نابود شوند» قرار می‌دهند. طالبان در همان آستانه ظهور خویش نشان دادند که چه‌قدر مصمم‌اند تا بسترهای هویتی را همانندساز کنند و از پرورش هویت فردی جلوگیری نمایند. با باورهای قبیله‌ای آغشته به ایدئولوژی اسلام‌گرایی رادیکال همراه سلسله‌ای از پیش‌فرض‌های درازدامن از دیگر مردم افغانستان، بر مسند قدرت تکیه زده‌اند. به گمان این‌ها، تنها امارت‌شان «نسخه ناب‌تر و واقعی‌تری» از اسلام است. رهبرشان خلیفه پیامبر است، افراد خرد و ریزه‌شان فرشته‌های نگهبان افغانیت و اسلامیت هستند و کسانی که در ضدیت این گروه و

# آسیب‌پذیرترین کشور جهان

فداحسین حسین



تفنگ‌ها و بم‌ها به نظر می‌رسد، تا تحول بنیادی. در بیست سال گذشته، اصلی‌ترین عامل ناامنی خود گروه طالب بود. به دلیل تروریسم و جنگ آنان بود که مردم هر سال هزاران کشته و زخمی می‌دادند و گروه‌گروه مهاجر و آواره می‌شدند. حالا که این گروه بر کرسی قدرت تکیه داده است، ناتوان و درمانده از کنترل گروه‌های دهشت و وحشت موجود در خاک کشور است. ظاهرا افغانستان در حال مبدل شدن به آن‌چه «لانه امن تروریستان» خوانده می‌شود، است.

ارزیابی‌ها و گزارش‌های مجامع پژوهشی، نشان می‌دهد که افغانستان تحت اداره طالبان در رده نخست آسیب‌پذیری از جانب تروریسم قرار دارد و دست‌یابی طالبان به قدرت، تاثیر مستقیم روی گسترش رادیکالیسم در میان گروه‌های اسلامی افراط‌گرا دارد. این در حالی است که در سال‌های متواتر، به‌ویژه در دو دهه اخیر، کشور متاثر از پدیده تروریسم بوده و در میان پنج کشور با بیشترین آسیب‌پذیری قرار داشته است. قبل از قدرت‌گیری دوباره گروه طالبان، در میان سال‌های ۲۰۰۱ - ۲۰۲۱ م، این گروه اصلی‌ترین عامل حمله‌های تروریستی در کشور بود. این گروه در ۹۳.۷ درصد از حمله‌های تروریستی دست داشت.

همچنین ارزیابی‌های نهاد شاخص جهانی تروریسم نشان از کاهش ۷۵ درصدی حمله‌های تروریستی در سال ۲۰۲۲ در کشور دارد، اما بر مبنای این گزارش از میان بیست خونین‌ترین و مرگ‌بارترین حملات تروریستی در سطح جهان، در سال گذشته سه حمله آن در افغانستان رخ داده که بیش از ۱۳۲ کشته و صدها زخمی در پی داشته است. در گزارش آمده که کابل برای نهمین سال پیاپی نام‌نم‌ترین شهر کشور با داشتن ۵۴۹ قربانی در سال ۲۰۲۱ و ۲۱۷ قربانی در سال ۲۰۲۲ بوده است.

هرچند با قدرت‌گیری دوباره طالبان، کسانی تبلیغ می‌کردند که حملات تروریستی کاهش و امنیت بهبود خواهد یافت، اما شواهد عکس این قضیه را نشان می‌دهد. گمانه بهبود امنیت ظاهرا نادرست از آب درآمد است. براساس گزارش‌ها، افغانستان همچنان صدرنشین کشورهای آسیب‌پذیر از ناحیه تروریسم است. چرا افغانستان آسیب‌پذیرترین کشور از ناحیه تروریسم است؟ نبرد ایالات متحده و متحدانش با تروریسم در خاک افغانستان و خروج آن‌ها از کشور پس از بیست سال، کشور را در باتلاق گروه طالبان انداخته است. ناتوانی جمهوری اسلامی افغانستان در دولت‌داری و اداره کشور، غرق بودن سران و مسوولان آن در فساد و ناکارآمدی و عدم پایداری و مقاومت جمهوری در برابر گروه طالبان، به این گروه غرور کاذب پیروزی در برابر «غرب» و برجیدن بساط «دست‌نشانده‌گان» را داده است. این گروه قدرت‌گیری دوباره خود را «فتح» و پایان بخشیدن به «اشغال» می‌خواند. در دو سال اخیر این گروه در برابر جامعه جهانی مقاومت و به بیان روشن‌تر لجاجت کرده است. تا هنوز که هنوز است، طالبان همه آزادی‌های بشری و حقوق بشر را نقض کرده‌اند. این لجاجت‌ها سبب شده که گروه طالبان تا حال از سوی هیچ کشوری به رسمیت شناخته نشود، هرچند شماری از کشورهای منطقه سفارت‌خانه‌های افغانستان را به طالبان سپرده‌اند. گروه طالبان از آغاز مدعی تامین «امنیت سرتاسری» بوده و به توانایی‌اش در سرکوب اعتراض‌ها می‌بالیده است؛ ولی آن‌چه را آنان امنیت می‌خوانند، سکوت‌گذاری

پس از شکست گروه اصلی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) در عراق و سوریه، در جنوری ۲۰۱۵ با تمرکز بر افغانستان، آسیای جنوبی و آسیای مرکزی به‌گونه رسمی در افغانستان اعلام موجودیت کرد. اعضای داعش خراسان، شامل جنگ‌جویان کشورهای آسیای مرکزی بازگشته از سوریه و عراق، افراط‌گرایان پاکستانی و طالبان و گروه‌های ناراضی و شاکی از توافق این گروه با ایالات متحده هستند. این گروه عملیات‌های تروریستی زیادی را در درون مرزهای افغانستان و کشورهای منطقه طرح و اجرا کرده است. دولت اسلامی ولایت خراسان عمده‌ترین دشمن گروه طالبان است.

هرچند طالبان پس از قدرت‌گیری مجدد صدها تن از نیروهای داعش خراسان را کشته و زندانی کرده‌اند، اما این گروه به حیات خود ادامه داده است و اساسی‌ترین رقیب طالبان و اصلی‌ترین عامل کشتار و عملیات‌ها و حملات تخریب‌کارانه تروریستی به شمار می‌آید. براساس آمارها، این گروه تنها از اگست ۲۰۲۱ تا اگست ۲۰۲۲ میلادی، ۲۲۴ حمله انجام داده است.

با وجودی که منبع ترور و دهشت در بیست سال گذشته (گروه طالبان) طی دو سال اخیر اداره کشور را در دست داشته است و می‌توان گفت که از ترور آشکار شبیه ۲۰ سال گذشته تا حدودی دست برداشته، اما تروریسم طالبانی به اشکال مختلف ادامه یافته است. حذف زنان از جامعه و بستن مکاتب، تغییر نصاب آموزشی و تحصیلی، ترویج افراطیت و اعمال محدودیت‌های ضدبشری بر کار و زنده‌گی مردم نوعی از رفتار زشت دهشت‌افگنی است. البته طوری که قبلا یادآور شدیم، حذف فزایی و ترور مخالفان نیز به دست این گروه ادامه دارد. با این حال، در گزارش‌های رسمی نهادها و دولت‌های خارجی اکنون داعش تهدید اصلی بر امنیت کشور خوانده می‌شود؛ چرا که جهان پس از توافق‌نامه دوحه تلاش دارد با گروه طالب چون نیرویی که حق اعمال سیاست و حاکمیت دارد، برخورد کند و خشونت‌های آن گروه را خشونت رسمی جلوه دهد، نه تروریسم و دهشت‌افگنی.

**کدام گروه عامل ترور است؟**  
طالبان هنوز عامل اصلی ترورند. آنان آشکار و پنهان مشغول حذف فزایی و روانی مخالفان خود هستند و ترورهای متنفذان، فعالان مدنی، سربازان، سیاستمداران و نظامی‌های غیرطالب توسط این گروه صورت می‌گیرد. بیشتر این حذف‌ها در سکوت و بدون خبر و ردیابی اطلاعاتی انجام می‌شود و خانواده‌های قربانیان به دلیل ترس از ادامه ترور و خشونت، «مفقودی» عزیزان‌شان را به زبان نمی‌آورند و یا اجساد قربانیان را در سکوت دفن می‌کنند.  
بعد از طالبان، دولت اسلامی ولایت خراسان (داعش خراسان) که همزاد گروه طالب است و از درون این گروه منشعب شده، عامل خشونت و ترور در کشور شمرده می‌شود. این گروه که در افراطیت و خشونت‌ورزی شهره است، عامل اصلی عملیات‌های خشن تروریستی، بمب‌گذاری و حملات انتحاری و انفجاری در سطح کشور خوانده می‌شود. دولت اسلامی ولایت خراسان



# مدرسه‌های دینی دخترانه در خدمت ایدئولوژی طالبان

شهاب

گرداننده‌گان اصلی پروژه طالبان، در زمینه شست‌وشوی مغزی جوانان و نوجوانان تجربه زیاد دارند. در روزهای نخست ظهور طالبان در دهه ۹۰ میلادی، لشکر اصلی گروه طالبان را طالبان مدرسه‌های دینی در پاکستان و مناطق مرزی افغانستان تشکیل می‌دادند. نام طالبان هم اشاره به همین تاریخچه می‌کند. زمانی که اتاق فکر استخبارات منطقه تصمیم گرفت پروژه طالب را کلید بزند، مدرسه‌های دینی را بهترین ابزار برای آماده ساختن لشکر بی‌حساب و کتاب برای طالبان تشخیص داد.



دنیای دوری از لذت‌های این جهانی و توجه به حیات اخروی است. رهبران طالبان تصور می‌کنند که با راه‌اندازی مدرسه‌های دینی دخترانه، قادر خواهند بود اثرات «تهاجم فرهنگی غرب» را که به ادعای آن‌ها در طول بیست سال پسران و دختران را تحت تأثیر قرار داده، از بین ببرند. آموزگاران مدرسه‌های دینی طالبان، قسمت کلاسی از وقت خود را به انتقاد از دوران جمهوری اختصاص می‌دهند و افتخار بزرگ طالبان را این می‌دانند که توانستند بساط آن «نظام غرب‌زده و فاحشه‌پرور» را جمع کنند. این آموزگاران برای اثبات ادعای خود در مورد بد بودن نظام جمهوری از دروغ‌بافی‌ها و داستان‌پردازی‌های عجیب و غریب نیز ابا نمی‌ورزند.

اگر حمل بر بدبینی نکنید باید اعتراف کرد که دختران افغانستان از مستعدترین قشرها برای پذیرش افکار طالبانی هستند، از دو جهت: یکی آن که به علت محرومیت از سواد، تحصیل و آموزش، ذهن پرورده و ورزیده ندارند و انتقادی نمی‌اندیشند و تمیز صحیح از سقیم برای‌شان دشوار است و از این لحاظ احتمال دارد زودتر شیفته و فریفته حرف‌های طالبان شوند و تحت تأثیر تبلیغات‌شان قرار گیرند. دوم آن که محدودیت‌های نفس‌گیری که از سوی طالبان بر زنان تحمیل شده، آنان را از لحاظ روانی آماده‌گرایش به نیهلیسم دینی و گرفتار شدن در دام رادیکالیسم ساخته است. به گفته روان‌شناسان، افراد سرخورده و ناامید گاهی برای فرار از ناامیدی به رفتارهای عجیب و غریبی پناه می‌برند که شاید در شرایط عادی اصلاً به آن رفتارها فکر هم نکنند. سلطه بدون قیدوشرط طالبان بر کشور، به آن‌ها مجال فراهم آورده که با دست باز و خاطر آسوده، مراکز آموزشی را بر مبنای ایدئولوژی خود مهندسی کنند و در فکر دانش‌آموزان و دانشجویان، ایدئولوژی مورد نظر خود را تزریق کنند.

گرداننده‌گان اصلی پروژه طالبان، در زمینه شست‌وشوی مغزی جوانان و نوجوانان تجربه زیاد دارند. در روزهای نخست ظهور طالبان در دهه ۹۰ میلادی، لشکر اصلی گروه طالبان را طالبان مدرسه‌های دینی در پاکستان و مناطق مرزی افغانستان تشکیل می‌دادند. نام طالبان هم اشاره به همین تاریخچه می‌کند. زمانی که اتاق فکر استخبارات منطقه تصمیم گرفت پروژه طالب را کلید بزند، مدرسه‌های دینی را بهترین ابزار برای آماده ساختن لشکر بی‌حساب و کتاب برای طالبان تشخیص داد. در زمان اشغال افغانستان توسط شوروی، صدها مدرسه دینی در سراسر پاکستان، هزاران پسر نوجوان و جوان اهل افغانستان را جذب کردند تا به آن‌ها ایدئولوژی مورد پسند دولت پاکستان را تزریق کنند تا این هزاران نفر چند سال بعد به نقش‌آفرینان اصلی در عرصه سیاسی و نظامی افغانستان مبدل شوند. ظاهراً اکنون اتاق فکر طالبان مصلحت دیده که در کنار بازپروری نوجوانان و جوانان پسر در مدرسه‌های طالبانی، دختران و زنان را نیز در خدمت اهداف طالبان قرار دهد و با جذب آن‌ها در مدرسه‌های دینی، ایدئولوژی طالبان

را در میان زنان نیز گسترش دهد. در دو دهه جمهوری، دختران و زنان فرصت یافتند استعدادهای خود را شکوفا کنند و در عرصه‌های مختلف خوب بدرخشند. بدون شک حمایت غرب از پروژه‌هایی که مربوط به زنان می‌شد، در تقویت حضور آنان در جامعه نقش تعیین‌کننده و مرکزی را بر عهده داشت. محافظه‌کاران و سنت‌پرستان، با مشاهده این روند به این نتیجه رسیدند که غربی‌ها از طریق حمایت از زنان و دختران، قصد دارند فرهنگ خود را در جامعه افغانستان گسترش دهند و ارزش‌های غربی را جاگزین ارزش‌های سنتی و قدیمی بسازند. در این سال‌ها، جریان‌های محافظه‌کار همواره نوک پیکان انتقاد خود را متوجه حضور زنان در جامعه ساخته بودند و با برجسته کردن برخی نقاط منفی روند رو به گسترش حضور زنان در جامعه، سعی می‌ورزیدند جلو این روند را بگیرند و به گمان خود با تهاجم فرهنگی غرب مبارزه کنند. با بازگشت طالبان، نیروهای محافظه‌کار و عقب‌گرا از این که حامی نیرومند یافته‌اند در پوست خود نمی‌گنجند و در هماهنگی با طالبان، کوشش به خرج می‌دهند تا زنده‌گی زنان را در چارچوب‌های مورد نظر خود قرار دهند و به آنان اجازه بیرون شدن از این چارچوب‌ها را ندهند. مدرسه‌های دینی دخترانه یکی از ابزارهایی است که می‌تواند جلو حضور معنادار زنان در صحنه جامعه را بگیرد.

آن‌طور که به نظر می‌رسد، طالبان تا کنون فکر می‌کنند می‌توان با مراجعه به کتاب‌های فقهی به نیازهای عصر حاضر پاسخ داد. آن‌ها مدیریت فقهی را جاگزین بهتری برای مدیریت علمی تلقی می‌کنند. معلوم نیست آیا طالبان گاهی به این موضوع اندیشیده‌اند که مدیریت کارآمد یک جامعه بدون حضور زنان متخصص در زمینه‌های گوناگون چقدر ممکن است. اگر قرار باشد همه زنان به آموزش‌های دینی روی بیاورند، جای خالی آنان را در عرصه‌های دیگر چه کسانی پر خواهند کرد؟ همین اکنون در بعضی از مناطق افغانستان حتی قابل‌ه برای زنان وجود ندارد، چه رسد به کادرهای متخصص در زمینه‌های دیگر. اگر جریان به همین منوال پیش برود، زنان مجبور خواهند شد مثلاً برای مراجعه به داکتر زن به کشورهای همسایه سفر کنند و یا آن که زنده‌گی پر درد و رنج را در انتظار مرگ بپذیرا شوند. این احتمال هم وجود دارد که رهبری طالبان سر عقل آید و کارها به‌منوال طبیعی جریان یابد. تا کنون نشانه‌ای از تمایل طالبان به تجدید نظر درباره عملکرد زن‌ستیزانه‌شان به چشم نمی‌رسد.

طالبان از بدو دستیابی دوباره به قدرت، توجه اصلی خود را به مراکز دینی مبدول کرده‌اند. طالبان به اهمیت این مراکز در تحکیم جایگاه خود به‌خوبی واقفند. در زمان جمهوری، مراکز دینی به چالش اصلی در برابر حکومت بدل شده بود و گروه طالبان با نفوذ در این مراکز، موفق شده بود با ابزار ساختن این مدارس، افکار و ایده‌های خود را در میان مردم گسترش دهد. با توجه به این نکته، طالبان حاضر نیستند از نقطه‌ای ضربه بخورند که از آن نقطه به مخالفان خود ضربه زده‌اند. به همین جهت است که رژیم طالبان بر هر نوع فعالیت مراکز دینی نظارت می‌کند و اجازه نمی‌دهد بدون تصویب این رژیم، فعالیتی در مراکز یادشده صورت گیرد. طالبان به نهادهای دینی‌ای که ایدئولوژی آنان را به نوعی تبلیغ نکند، اجازه نفس کشیدن نمی‌دهند. مدرسه‌های دینی دخترانه نیز نه تنها از این امر مستثنا نیستند بلکه در اولویت سیاست‌های تعلیمی و تربیتی گروه طالبان قرار دارند.

قرابین متعددی حکایت‌گر آن است که طالبان در تضعیف مکاتب عصری و تقویت بی‌رویه مدرسه‌های دینی جدی هستند و در این خصوص به‌آسانی کوتاه نمی‌آیند. ملا هبیت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، در صحبت‌هایش با مسوولان این گروه تصریح کرده که جهاد طالبان هنوز خاتمه نیافته و

ادامه خواهد یافت. آن‌ها گمان می‌کنند که با فعال کردن مدرسه‌های دینی در هر نقطه کشور، قادر خواهند بود لشکر انبوهی از زنان و مردان را برای جنگ درون‌مرزی یا فرامرزی فراهم آورند. از آن‌جا که طالبان در سربرازگیری از مردان موفق بوده‌اند، اکنون خیال دارند از دختران و زنان نیز برای تقویت حاکمیت ایدئولوژیک خود بهره‌برداری کنند. اگر حکومت طالبان ادامه یابد، در آینده نه‌چندان دور، افغانستان با انبوهی از طالبان مونث دست به گریبان خواهد بود. در گذشته، گروه‌های صوفی و سلفی در افغانستان به این کار مبادرت ورزیده و نتیجه به‌دست آورده‌اند. به احتمال قوی، طالبان هم موفق خواهند شد.

از صفحه ۴

## تا امر ثانی...

نه فرصت برگشت به خانه وجود داشت و نه هم بالاپوش سیاه که بتواند با آن وارد دانشگاه شود. «نمی‌دانستم چه کار کنم. سر آخر با برادرم تماس گرفتم و از او خواستم که چمبر خودش را برایم بیاورد تا بتوانم راهم را به در امتحان باز کنم.» ادیبه به ناچار، چمبر مردانه و سیاه برادرش را می‌پوشد و موفق می‌شود خود را به امتحان برساند. «در آن لحظه که بالاپوشم را از من گرفتند و من هیچ اختیاری در مورد لباس خودم نداشتم، حس بسیار بدی داشتم؛ حس این‌که غرورم را از من گرفته بودند و سرخورده از این بودم که حتی قادر به انتخاب رنگ لباس خودم نیستم.»

بغض و حس سرخورده‌گی ادیبه، بغض و حس هزاران دختر محروم این سرزمین است؛ دخترانی که همه اختیارات زنده‌گی‌شان از آن‌ها گرفته شده است؛ دخترانی که منتظر یک روزنه امیدند، یک نور، یک روشنایی در دل تاریک‌ترین روزهای سیاه‌شان. آن‌ها منتظر روزی‌اند که بتوانند از قفس به بیرون آن بال‌بال بزنند و پرواز کنند.

ادیبه و دختران هم‌سرنوشت او، پلان‌های بی‌شماری برای آینده‌شان طرح کرده بودند. «وقتی پسران را در محوطه دانشگاه می‌بینم، رشک می‌برم و آرزو می‌کنم که کاش من هم پسر بودم تا می‌توانستم به درس‌هایم ادامه بدهم. قبلاً چنین آرزویی نکرده بودم، اما این روزها، خواستنی‌ترین آرزویم همین است. کاش پسر بودم!»

حتی فکر کردن به روزهایی که در محوطه دانشگاه قدم زده بود، برایش دردآور تمام می‌شود. حرف‌های زیادی برای گفتن داشت، اما بغض گلویش و اشک‌های روی گونه‌هایش سبب شد که آهی بکشد و در سکوت باز بگرید. مردم افغانستان، منطقه و جهان همه در برابر محرومیت‌های زنان از تعلیم، تحصیل و کار سکوت اختیار کرده‌اند. گویا جهان پذیرفته است که این سرنوشت را برای زنان افغانستان در آسمان‌ها نوشته‌اند. «در اوایل افسرده‌تر از امروز بودم. بیشتر غصه می‌خوردم و بیشتر اشک می‌ریختم، اما حالا خودم را با این روند وفق داده‌ام. مثل اولین روزهای محرومیت اذیت نمی‌شوم. می‌ترسم این روند برای همه عادی شود. می‌ترسم دیگر مساله زنان برای کسی مساله نباشد.»



## استادان و...



از سویی هم، شماری از آموزگاران مکاتب کشور می گویند که حذف اداره‌های تربیه معلم بر میزان سطح ارتقای مسلکی آموزگاران دوازده‌پاس نیز تاثیر منفی خواهد گذاشت. فرشته رسا، آموزگار یکی از مکاتب ولایت‌های شمال کابل، خواستار بازنگری این تصمیم طالبان است. او گفت: «بیشتر آموزگاران در سطح ولسوالی‌ها، فارغین صنف دوازدهم هستند که با متدها و شیوه‌های درست تدریس آشنا نیستند و با حذف مراکز تربیت معلم این مشکل بزرگ‌تر خواهد شد.»

شماری دیگر از استادان اما دلیل بسته شدن یا بسته ماندن نهادهای علمی و تحصیلی از سوی طالبان را «ادامه حیات گروه‌های مسلح» عنوان می‌کنند. آرش شهپرپر، یکی از استادان پیشین دانشگاه، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «بهترین وسیله و کلیدی‌ترین بستر برای ادامه حیات گروه‌های مسلح در هر نقطه‌ای از کره زمین، محیط انسانی با سطح سواد پایین بوده؛ زیرا در یک جامعه با فیصدی بلند باسواد، افراد به خشونت‌گرایی، قتل، تخریب اماکن عمومی و... روی نمی‌آورند. بنابراین، ادامه حیات برای گروه‌های مسلح مشکل و زمانی هم ناممکن می‌شود. مقوله‌ای است در این موضوع که درب یک محیط علمی را اگر بسته کردی، درب یک زندان را باز کن! بسته بودن و بسته کردن محیط‌های علمی، جز شر هیچ خبری به مردم و جامعه نداشته است و ندارد.» او اضافه کرد که به جای حذف این نهاد، باید از آن حمایت شود. شهپرپر گفت: «نهادهای تربیت آموزگاران یا همان دارالمعلمین‌ها باید با جدیت حمایت شوند، زیرا تولیدکننده چراغ‌های جامعه (آموزگاران) بوده‌اند و با این تولید خیلی ارزشمند جامعه را از فلاکت و غرق شدن در گودال بدبختی نجات می‌دهند و در عکس موضوع، جامعه با سطح سواد پایین و بیشترین ناامنی را توسط فرزندان خودش تجربه خواهد کرد و دشمنی با علم و نهادهای علمی، هم‌یار بودن با جهالت است.»

این در حالی است که وزارت معارف این گروه سال گذشته نیز شماری از معینیت‌ها و ریاست‌های عمومی این نهاد را حذف، مدغم یا هم تبدیل کرده است که در نتیجه آن ده‌ها تن اضافه بست و بیکار شده‌اند. وزارت معارف در آن زمان گفته بود که این اقدام به منظور اصلاحات انجام شده که طی آن بعضی از ریاست‌ها و معینیت‌ها باهم ادغام شده است. گفتنی است که طالبان پیش از این شورای ملی، کمیسیون‌های انتخاباتی، کمیسیون مستقل حقوق بشر، کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی، دفتر وزیر دولت در امور پارلمانی، دفتر وزیر دولت در امور صلح و شورای عالی مصالحه ملی را از ساختار دولتی حذف کرده و آن‌ها را غیرضروری خوانده‌اند.

## نگاه دوباره ترکیه به غرب



**روسیه سخت ناگزیر است و نیاز دارد که کشور قدرتمندی چون ترکیه اگر از آن حمایت نمی‌کند، حداقل به سمت رقیب لنگر نیندازد. کشورهای غربی هم ناگزیری‌های خود را دارند، از جمله این که ترکیه جانب روسیه را نگیرد و همچنان مانع پیوستن کشورهای اروپایی به ناتو نشود.**

شجاع‌الدین امینی

در یک ماه اخیر رابطه ترکیه با متحدان غربی‌اش وارد مرحله تازه‌ای شده است. آنکارا به‌تازگی میزبان ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، بود. چیزی که این میزبانی را خیرساز کرد، این بود که رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، خلاف پندار غالب، اوکراین را شایسته عضویت در ناتو خواند. همچنان پنج فرمانده گروه آژوف را که در آنکارا به‌سر می‌بردند، بدون هماهنگی با روسیه به زلنسکی تحویل داد؛ اقدامی که واکنش روسیه را به‌دنبال داشت. البته اردوغان هم‌زمان در دیدار با زلنسکی اعلام کرد که آنکارا قرار است در ماه آگست سال روان میزبان ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، باشد.

اردوغان با جو بایدن، رئیس جمهور امریکا، نیز گفت‌وگوی تلفونی داشت. آنچه از محتوای آن در رسانه‌ها درز کرد، این بود که او از جو بایدن خواسته است تا جنگنده‌های اف ۱۶ را تحویل آنکارا دهد؛ مطالبه‌ای که ممکن است پذیرفته شود. همچنان اعلام رضایت ترکیه مبنی بر پیوستن سویدن به ناتو را مشروط به تحویل دهی این جنگنده‌ها کرده است. اردوغان همچنان به اتحادیه اروپا شرط گذاشت: ابراز موافقت با عضویت سویدن به ناتو مشروط به پذیرفته‌شدن عضویت ترکیه در اتحادیه اروپاست. این در حالی است که مخالفت اردوغان با عضویت سویدن به ناتو به حمایت این کشور از گروه‌هایی که از سوی ترکیه تروریستی خوانده می‌شود، ربط داده می‌شد. اردوغان در حاشیه نشست ناتو در لیتوانی با نخست‌وزیر یونان دیدار کرد و روی حل موضوعات اختلافی از مجرای گفت‌وگو تاکید ورزید.

در خصوص این دیدارها و اظهارات چند نکته مطرح است:

۱- ترکیه به‌گونه جدی و واقعی روی به جانب غرب نکرده است. در شرایط حاضر، روی به جانب غرب کردن، روی برگرداندن از شرق را به‌دنبال دارد؛ چون فضای موجود میان شرق و غرب به‌غایت متشنج است و حفظ موازنه و نلغزیدن به یک‌سو امر دشوار است. اگر این فرض درست باشد، می‌توان گفت که ترکیه به‌دنبال آن است تا از ناگزیری‌های طرفین جنگ اوکراین بهره‌برداری کند. روسیه سخت ناگزیر است و نیاز دارد که کشور قدرتمندی چون ترکیه اگر از آن حمایت نمی‌کند، حداقل به سمت رقیب

لنگر نیندازد. کشورهای غربی هم ناگزیری‌های خود را دارند، از جمله این که ترکیه جانب روسیه را نگیرد و همچنان مانع پیوستن کشورهای اروپایی به ناتو نشود.

اردوغان در شرایطی پرده از رخ حسن نیت خود نسبت به اوکراین برداشت که امریکا و کشورهای اروپای غربی تا این دم اوکراین را واجد شرایط عضویت در ناتو نمی‌دانند. مهم‌ترین مانع شاید این باشد که اوکراین در حال جنگ با روسیه است. به فرض اگر به سخن اردوغان ترتیب اثر داده شود و اوکراین عضو ناتو شود، لازمه این امر آن است که ترکیه باید علیه روسیه وارد جنگ شود؛ چون اصل روشن در ناتو این است که اگر یکی از کشورهای عضو ناتو از سوی کشور دیگری مورد حمله قرار می‌گیرد، همه اعضا باید به حمایت از آن بشتابند. به نظر نمی‌رسد ترکیه خطر ورود به جنگ علیه روسیه را پذیرا باشد.

۲- ترکیه ممکن است به‌گونه راستین روی به جانب غرب کرده باشد. اگر این فرض درست باشد، شاید مهم‌ترین عامل آن وضع ناجور اقتصادی در ترکیه باشد. چیدمان کابینه اردوغان نشان می‌دهد که او نسبت به گذشته تمرکز بیش‌تر روی اقتصاد خواهد داشت؛ چون سطح بالای تورم اقتصادی به ابزار فشار در دست رقیبانش در انتخابات تبدیل شده بود. او اقتصاددان‌های سرشناس از جمله مهمت شیمشک را به‌عنوان وزیر دارایی و خزانه‌داری تعیین کرده است. گفته می‌شود که او یکی از کسانی است که چنگ‌زدن به «اقتصاد بازار» را رمز شکوفایی اقتصادی می‌داند و ممکن است اردوغان را به سمت پرهیز از اعمال کنترل دولت بر بازار ترغیب کند. اردوغان شاید به این نتیجه رسیده باشد که راه توسعه اقتصادی از کوچه غرب می‌گذرد نه شرق. اگر برخی کشورهای شرقی به شکوفایی اقتصادی دست یافته‌اند، بیش از آن که محصول زمین‌های داخلی باشد، مراد به غرب بوده است. اتحادیه اروپا و همین‌طور امریکا از جمله شریکان مهم تجاری ترکیه به‌حساب می‌روند. تیره‌گی رابطه میان ترکیه و متحدان غربی آن می‌تواند اقتصاد این کشور را متاثر سازد.

عامل دیگر، انتخابات سال روان در ترکیه می‌تواند باشد که عملاً قطب‌بندی شده بود: شرق و غرب. این طور تبلیغ می‌شد که اردوغان گرایش به شرق دارد و رقیبانش گرایش به غرب. از آنجایی که

گرایش به غرب در افکار عامه شهروندان ترکیه به قوت زنده است، تبلیغ این ایده که اردوغان از غرب گریزان است، ممکن در درازمدت به نقطه ضعفی برای او تبدیل شود. حالا، شاید با روی آوردن به غرب بخواهد این خلا را پر کند. همچنان ترکیه برای آن که بتواند به تسلیحات پیشرفته جنگی دست پیدا کند، نیازمند تأمین رابطه گرم با غرب است. اردوغان از اوایل رسیدن به قدرت گرایش به غرب داشته است، ولی از ۲۰۱۳ بدین‌سو یک سری عواملی در ترکیه بروز کرد که میان ترکیه و متحدان غربی آن شکاف انداخت که مهم‌ترین آن اعتراضات پارک گزی در ۲۰۱۳ و کودتای نافرجام ۲۰۱۶ می‌باشد.

۳- اگرچه ترکیه به عضویت در اتحادیه اروپا اشتیاق فراوان دارد، ولی تحقق این آرزو در کوتاه‌مدت دشوار به نظر می‌خورد. برای فعلا ترکیه در جای حساسی اتحادیه اروپا را گیر داده است. پیش از این، اتحادیه اروپا به ترکیه شرایط وضع می‌کرد، اما حالا این کشور در برابر اتحادیه اروپا شرط می‌گذارد. ترکیه در سال ۱۹۸۷ در زمان رهبری تورگوت اوزال درخواست عضویت در اتحادیه اروپا را داده بود. این روند تا سال ۱۹۹۹ معلق ماند تا ترکیه بتواند شرایط عضویت را تکمیل کند. مذاکرات در زمینه پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵ به‌گونه رسمی شروع شد، اما نتیجه‌ای به‌دنبال نداشت. حالا، اتحادیه اروپا دو ناگزیری دارد: یکی مواجه بودن با روسیه است که اگر درخواست ترکیه پذیرفته نشود، ممکن است این کشور همچنان در موضع خنثا نسبت به جنگ اوکراین قرار گیرد یا هم بیش‌تر به جانب روسیه بلغزد. دوم این که اگرچه اردوغان وعده داده است که درخواست عضویت سویدن به ناتو را به پارلمان می‌فرستد، ولی اگر بخواهد می‌تواند این درخواست را با مخالفت پارلمان مواجه سازد. به نظر نمی‌رسد اتحادیه اروپا روندی را که از ۱۹۸۷ بدین‌سو معطل انداخته است، یک‌شبه بر آن نقطه پایان بگذارد، ولو این که منجر به عدم عضویت سویدن در ناتو شود.

برخی‌ها معتقدند که پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا سیمای خاور میانه را تغییر خواهد داد؛ چون این امر بقیه کشورهای اسلامی را به التزام به ارزش‌های مردم‌سالاری و می‌دارد. به این معنا که اگر کشورهای اسلامی به این ارزش‌ها پابندی نشان دهند، دروازه نهادی چون اتحادیه اروپا به‌روی آنان باز خواهد شد.

خبرنگار ارشد:

امین کاوه

ویراستاران:

محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی:

رضا مرادی

پذیرش مقالات:

Info@8am.media

پذیرش اعلان:

۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹ • Shaparsepehr@gmail.com

نشانی پستی:

۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸ صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صبح

روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز:

سنجر سهیل

مدیرمسئول:

محمد محق

سرمدیر:

حسیب بهش

تحلیل‌گران:

یونس نگاه، علی سجاد مولایی

دبیر گزارش‌ها:

فهمین امین

دبیر تولید:

محمد نوید جويا

Publisher:

Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:

Mohammad Moheq

Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media

Youtube.com/Hashtesubhdaily

Twitter.com/@Hashtesubhdaily

instagram.com/8am.media\_official

www.8am.media



بربنیاد گزارش‌ها، بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل پس آن به شفاخانه انتقال داده شده است که احساس ناراحتی می‌کند. دفتر نخست‌وزیر اسرائیل اعلام کرده که آقای نتانیا‌هو ۷۳ ساله روز شنبه، ۱۵ جولای، به شفاخانه منتقل شده است. دفتر نخست‌وزیر اسرائیل نوشته که او در حالی به شفاخانه انتقال داده شده است که کاملاً به هوش بود. تا کنون مشخص نیست بیماری مشخص نخست‌وزیر اسرائیل چی می‌باشد. گفتنی است که نتانیا‌هو رهبر حزب راست‌گرای لیکود اسرائیل است و برای نزدیک به سه دهه، چهره غالب در سیاست این کشور بوده است.

## روز جهانی مهارت‌های

## جوانان؛ گوترش: کسب

## مهارت برای نسل جوان یک

## نیاز است



دبیرکل سازمان ملل متحد به مناسبت روز جهانی مهارت‌های جوانان به آموزش با کیفیت تاکید کرده و کسب مهارت برای نسل جوان را یک نیاز دانسته است.

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد روز شنبه، ۱۵ جولای، با نشر توییتی این مطلب را نوشته است.

وی افزوده است: «ما باید اطمینان حاصل کنیم که معلمان آموزش و توسعه حرفه‌ای مورد نیاز برای کمک به جوانان را در انتقال از مکاتب به محل کار به‌دست آورند.»

در همین حال، کمیساری عالی سازمان ملل در امور پناهنده‌گان در افغانستان نیز با نشر توییتی گفته است که از جوانان افغان که در جامعه تغییر ایجاد می‌کنند، پشتیبانی و ستایش می‌کند.

گفتنی است که در سال ۲۰۱۴، مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۵ جولای را به‌عنوان روز جهانی مهارت‌های جوانان اعلام کرد تا اهمیت استراتژیک تجهیز جوانان به مهارت‌ها برای اشتغال، کار شایسته و کارآفرینی را جشن بگیرد.

## طرف‌های درگیر جنگ

## در سودان برای از سرگیری

## مذاکرات وارد عربستان شدند

منابع آگاه به رویترز گفته‌اند که نماینده‌گان طرف‌های درگیر جنگ در سودان به هدف از سرگیری مذاکرات، وارد عربستان شده‌اند.

بربنیاد گزارش رویترز، این نماینده‌گان روز شنبه، ۱۵ جولای، به جده سفر کرده‌اند.

مذاکرات قبلی در جده که توسط عربستان سعودی و ایالات متحده تسهیل شده بود، در اوایل جون از سوی هر دو کشور پس از نقض متعدد آتش‌بس به حالت تعلیق درآمد.

عربستان سعودی و ایالات متحده هنوز از سرگیری مذاکرات میان ارتش و نیروهای واکنش سریع سودان را تأیید نکرده‌اند.

هنوز خشونت‌ها در خارطوم پایتخت سودان و سایر مناطق این کشور ادامه دارد.

درگیری‌ها در سودان میان نیروهای ارتش به رهبری جنرال عبدالفتاح البرهان و نیروهای واکنش سریع به رهبری محمد حمدان دگالو است.

این درگیری‌ها از ۱۵ اپریل سال جاری و به دنبال شکست طرح بین‌المللی با هدف گذار به دموکراسی در این کشور آغاز شد و صدها کشته و زخمی برجای گذاشته است.

## کوریای جنوبی: حجم کمک‌ها به اوکراین را گسترش خواهیم داد



یون سوک یئول، رئیس جمهور کوریای جنوبی اعلام کرد که این کشور حجم کمک‌های نظامی و بشردوستانه خود به اوکراین را گسترش خواهد داد. یون سوک این اظهارات را روز شنبه، ۱۵ جولای، در سفرش به کی‌یف مطرح کرده است.

وی پس از دیدار با ولادیمیر زلنسکی، همتای اوکراینی خود گفت: «کوریای جنوبی قصد دارد در سال جاری ۱۵۰ میلیون دالر کمک بشردوستانه به اوکراین کند.»

به گفته او، آنان تجهیزات ماین روبی و دیگر وسایل کمکی که اوکراین درخواست نموده را ارسال کرده‌اند.

رئیس جمهوری کوریای جنوبی اضافه کرد که این کشور همچنان با کی‌یف، در پروژه‌هایی ساخت زیرساخت‌ها که می‌تواند با وام‌های امتیازی از کوریای جنوبی حمایت شود، همکاری خواهد کرد.

گفتنی است که رئیس جمهور کوریای جنوبی یک سفر غیرمنتظره را به اوکراین انجام داد تا با ارایه کمک به اوکراین، همکاری نزدیک خود با سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را نشان دهد. دفتر یون اعلام کرد که وی همراه با همسرش پس از سفر به لیتوانیا برای شرکت در نشست ناتو و همچنین لهستان، به اوکراین سفر کرده است.

## امریکا جنگنده‌های اف - ۱۶ را به خلیج فارس اعزام می‌کند



یک مقام ارشد دفاعی امریکا می‌گوید که این کشور در حال استقرار جت‌های جنگی اضافی در اطراف تنگه هرمز است تا از کشتی‌های امریکا در این تنگه محافظت کند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس روز شنبه، ۱۵ جولای، گزارش داد که این مقام امریکایی در گفت‌وگو با خبرنگاران در پنتاگون گفت که واشنگتن در پایان این هفته جت‌های جنگنده F-۱۶ را به منطقه خلیج فارس می‌فرستد تا هواپیماهای ته‌اجمی A-۱۰ را که بیش از یک هفته است در آنجا گشت‌زنی می‌کنند، پشتیبانی کند.

این مقام دفاعی امریکا که نخواست نامش فاش شود گفته که این جنگنده‌ها به کشتی‌هایی که از طریق

آبراه حرکت می‌کنند پوشش هوایی داده و دید ارتش امریکا را در منطقه افزایش می‌دهد. این اقدام امریکا یک هفته پس از توقیف دو نفت‌کش این کشور از سوی ایران در تنگه هرمز صورت می‌گیرد.

در عین حال، این مقام دفاعی امریکایی خاطرنشان کرده که واشنگتن در حال بررسی چندین گزینه نظامی برای مقابله با تجاوز روزافزون روسیه بر آسمان سوریه نیز است.

این مقام از بیان جزئیات گزینه‌ها خودداری کرد، اما گفت که امریکا هیچ سرزمینی را واگذار نخواهد کرد و بر مبارزه خود در برابر داعش در سوریه ادامه خواهد داد.

به گفته وی، افزایش تحرکات نظامیان روسیه در سوریه ناشی از همکاری و هماهنگی فزاینده بین مسکو، تهران و دولت سوریه برای فشار وارد کردن به امریکا برای خروج از این کشور است.

گفتنی است که هم‌اکنون حدود ۹۰۰ نیروی امریکایی در سوریه حضور دارند و برخی دیگر برای انجام ماموریت علیه داعش هرازگاهی به‌گونه موقت وارد این کشور می‌شوند.

## بحران مهاجرت

## غیرقانونی؛ هفته ۱۱ کودک

## در راه اروپا جان می‌دهند

صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (UNICEF)، می‌گوید که از آغاز سال ۲۰۲۳ تا کنون به‌طور اوسط، ۱۱ کودک هنگام تلاش برای رسیدن به اروپا در دریاها جان خود را از دست می‌دهند.

یونیسف روز جمعه، ۱۴ جولای، اعلام کرد که درگیری‌ها و تغییرات اقلیمی در کشورها سبب شده است که این کودکان راهی اروپا شوند.

به گفته این نهاد بین‌المللی، دریای مدیترانه به مرگ‌بارترین مسیر برای کودکان در جهان تبدیل شده است.

ورنا کنائوس، مسوول یونیسف در زمینه مهاجرت و آوارگی، گفته که احتمالاً شمار کودکان جان باخته در این مسیر بیشتر از ارقام اعلام شده باشد.



براساس اطلاعات صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد، مهاجرت کودکان به اروپا در مقایسه با زمان مشابه دو برابر افزایش یافته و شمار کودکان که در سال روان میلادی وارد اروپا شده‌اند به ۱۱ هزار و ۶۰۰ تن تخمین زده می‌شود.

کنائوس، در یک نشست خبری در مقر سازمان ملل در جنیوا گفت که در سه ماه اول سال جاری، شمار کودکان بدون همراه یا جدانشده به سه هزار و ۳۰۰ تن رسیده است.

یونیسف خاطرنشان کرده که جامعه جهانی از این معضل چشم‌پوشی می‌کند.

براساس گزارش‌ها، کودکان پناه‌جو ممکن در طول راه با بازداشت، محرومیت، شکنجه، قاچاق، خشونت و تجاوز جنسی روبه‌رو شوند.

صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل از جهان خواسته است تا در این زمینه فراتر از محکومیت گام بردارد و راه حل مناسبی را در این زمینه جست‌وجو کند.

## مذاکرات میان ارمنستان و آذربایجان با میانجی‌گری اتحادیه اروپا در بروکسل برگزار شد



میشل گفت که او قصد دارد یک دیدار جدید میان علی‌اوف و پاشینیان در بروکسل و نشست دیگری در در ماه اکتبر در اسپانیا با حضور اولاف شولز، نخست‌وزیر آلمان و امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه ترتیب دهد.

از سوی دیگر، روسیه پیشنهاد میزبانی وزیران خارجه آذربایجان و ارمنستان به منظور بررسی معاهده صلح

وزارت خارجه آذربایجان در اعلامیه گفته است که دور جدید مذاکرات صلح میان این کشور و ارمنستان با میانجی‌گری اتحادیه اروپا برگزار شد.

در اعلامیه آمده که این مذاکرات روز شنبه، ۱۵ جولای، با حضور نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، الهام علی‌اوف، رئیس جمهور آذربایجان و چارلز میشل، رئیس اتحادیه اروپا به هدف حل‌وفصل مناقشه چندین دهه‌ای میان این دو کشور برای کنترل قره‌باغ، در بروکسل برگزار شده است.

چارلز میشل، رئیس اتحادیه اروپا، گفت: «این نشست صادقانه و اساسی بود. من آن‌ها را تشویق کردم تا گام‌های شجاعانه برای اطمینان از پیشرفت قاطع و غیرقابل برگشت در مسیر عادی‌سازی بردارند.»

میان این دو کشور را داده است.

تنش‌های اخیر میان ارمنستان و آذربایجان با محوریت گذرگاه لاجین افزایش یافته است.

کریدور لاجین، تنها مسیری است که ارمنستان را به مرکز قره‌باغ کوهستانی متصل می‌کند.

گروهی از اتباع جمهوری آذربایجان که خود را فعال محیط زیست می‌خواندند، ۱۲ دسامبر ۲۰۲۲، کریدور لاجین را که نیروهای حافظ صلح روسیه در آن مستقر شده، مسدود کردند.

باکو مدعی شد که در پی مسدود کردن هیچ جاده‌ای نبوده و موترها می‌توانند آزادانه در هر دو جهت حرکت کنند، اما ایروان آن را اقدامی تحریک‌آمیز از سوی باکو به هدف ایجاد «یک فاجعه انسانی» در منطقه ارمنی نشین قره‌باغ عنوان کرد.